

استراتژی اسرائیل در مورد کردها

نوشته: عبدالکریم سید قادر
برگردان: صالح

مقدمه مترجم: ترجمه و تلخیص مقاله زیر که از نظرتان می‌گذرد متعلق به شخصیت مترقی کرد عبدالکریم سید قادر می‌باشد، دولت کردستان عراق این دانشمند را به علت نوشتن همین مقاله به ۳۰ سال زندان محکوم نموده، آن‌هم در دادگاهی که وکیل حضور نداشته و بیش از نیم ساعت بیشتر به طول نینجامیده است. وی در نامه کوتاهی که به بیرون فرستاده نوشت: "از من خواستند که گفته‌هایم را پس بگیرم و آزاد شوم و گرنه به سی سال زندان محکوم خواهم شد و من حاضر نشدم پای بر روی حقیقت بگذارم". خوشبختانه فعالیت‌هایی برای آزادی وی در اروپا در حال انجام است. مقاله ایشان سرشار از افشاگری و ابراز حقیقت است. به این امید که ملت زیر ستم کرد بتواند بر حکومت استبدادی و وابسته به امپریالیسم و صیہونیسم و همچنین بر شرایط نابه‌سامان داخلی خود غلبه کرده و جامعه آزاد و دموکراتیک بنانهد.

* * *

هر کشوری سیاست خارجی خود را بر اساس سود و زیان بنا می‌نهد و مسئله اخلاق در این میان به‌طور کامل کنار گذاشته می‌شود. لذا نمی‌توان سیاست دولت اسرائیل را نیز مستثنی دانست. اما آنچه که باید گفت سیاست دولت اسرائیل در این زمینه خصوصیتی دارد و آن به‌علت شرایط ویژه‌ای است که اسرائیل در آن بسر می‌برد و آن این است که دولت اسرائیل یک جنگ مخفی و یک جنگ علنی را بر علیه همه کشورهای خاورمیانه به پیش می‌برد. می‌توان این ویژگی سیاست دولت اسرائیل را در منطقه از خلال کتاب یکی از جاسوسان اسرائیل "ویکتور استروفسکی" به‌نام "از راه فریب" باز شناخت و مشاهده نمود که موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل در منطقه چگونه عمل می‌کند. برای اینکه ما متهم به یهودی ستیزی نشویم کوشش گردید تا عمده اطلاعات از منابع اسرائیل آورده شوند و چند مورد هم از ماموران امنیتی کرد ذکر کرده‌ام که سابقاً با اسرائیل در اعمال جاسوسی شرکت داشته‌اند و من با آنان مصاحبه نموده‌ام. چیزی که در اینجا مایلم خاطر نشان سازم این است که اسرائیل ضرورتاً به‌معنی دولت یهودیان نمی‌باشد. ملت یهود همچون سایر ملل در طول تاریخ چند هزار ساله زندگی اش خدمات ارزنده‌ای به بشریت ارزانی داشته و دانشمند فراوانی نیز از میان‌آنها برخاسته است. باید بگویم اولین شهید کمونیست که در عراق به شهادت رسید یک یهودی بنام ابراهیم عید بود و دهها یهودی مبارز و شرافتمند به‌خاطر مبارزه در راه آزادی و دفاع از ملت از حق محروم فلسطین در زندانهای دولت اسرائیل بسر می‌برند. سیاست دولت اسرائیل همانند همه کشورهای اروپایی،

سیاستی است ماکیاولیستی که شدیداً بر علیه ملت‌های خاورمیانه اعمال می‌شود. از این منظر اسرائیل ملت‌های خاورمیانه را به دو بخش تقسیم می‌کند، یکم آنهایی که دشمنان اسرائیل می‌باشند و دوم آنانی که اسرائیل می‌تواند از آنها در جهت منافع خود بهره برداری کند. بر این اساس من فکر می‌کنم که برای اسرائیل دوستانی در خاورمیانه یافت نمی‌شود. در مورد سیاست اسرائیل نسبت به کردها باید بگویم که این کشور کردها را در بخش دوم قرار داده، و از این جهت اسرائیل می‌کوشد از ما کردها در جهت پیشبرد سیاست‌های منطقه ای و بین المللی خود استفاده ببرد. اما به‌قول استروفسکی کردها در خاورمیانه موقیعت ویژه دارند و آن این است که اینان در میان چند کشور که همگی مخالف و دشمن اسرائیل هستند، تقسیم شده اند و مورد ظلم و اجحاف قرار می‌گیرند. استروفسکی در مقاله ای که به‌عنوان دستگیری اوجلان نوشته بود، چنین توضیح می‌دهد که اسرائیل می‌تواند از آنها بی‌که تحت ظلم و ستم دولتها قرار گرفته اند در جهت جمع آوری معلومات، استفاده ببرد. از نظر استروفسکی کردها دروازه شرقی اسرائیل بحساب می‌آیند و باید از آنان به‌مثابه نگهبانان استفاده برد. اسرائیل با تمام توان می‌کوشد که از مشکلات کردها حداکثر بهره برداری را بنماید، آن‌چنان که در گذشته انجام گرفته شده است. سؤال ما این است که اجحاف در حق ملت کرد به‌نفع چه کسانی تمام می‌شود. اسرائیل بارها و بارها از این وضعیت کردها در جهت منافع خود سوء استفاده را برده است. برای مثال هنگامی که کردها در زمان صدام مورد بمباران شیمیایی قرار گرفتند، کسی اعتراضی نکرد و بعضی کشورها از صدام حمایت کردند. اما اسرائیل با سوء استفاده از این شرایط، در عرصه بین المللی بابه راه انداختن تبلیغات، داشتن اسلحه های مختلف را برای خود مجاز شمرد. استفاده از اسلحه شیمیایی بر علیه کردها توسط صدام، در عین حال یکی از بهانه های مهمی بود که دولت آمریکا جنگ بر علیه عراق را "مشروع" می‌دانست و این موضوع به‌ما می‌فهماند که آنکه به دیگران اجحاف کند، خود روزی به‌همان بلا گرفتار خواهد شد.

رابطه اسرائیل و کردها در زمان حاضر

باید یاد آوری کنم که مبارزه آزادی‌بخش در میان کردها سابقه‌ای طولانی دارد و پیش از تأسیس دولت اسرائیل در سالهای بیست قرن گذشته توسط شیخ محمود بر علیه استعمار انگلیس و برای تأسیس دولت کرد آغاز گردید. سپس قیام مصطفی بارزانی در سالهای سی قرن گذشته و همچنین قیام‌های مشابهی در کردستان ترکیه و ایران بر پا شد.

باید بگویم که روابط میان دولتها علی‌العموم به دو صورت انجام می‌پذیرد، شکل علنی و رسمی و با روش های دیپلماتیک شناخته شده بین المللی و نوع دیگر روابط میان دولتها که مخفی و توسط سازمانهای جاسوسی انجام می‌گیرد.

دولت اسرائیل به‌خاطر مشکل فلسطین به‌طور کلی روابط خود را به‌ویژه در خاورمیانه با دولتها و گروه‌ها به‌شيوه مخفیانه پیش می‌برد. بنا به‌نوشته "دانیل پرت"

تحلیگر سیاسی اسرائیل، دولت اسرائیل دو وزارتخانه خارجی دارد یکی وزارتخانه خارجه که علنی است و دیگری وزارتخانه مخفی و غیر رسمی که تحت نام فعالیت‌های سیاسی عمل می‌کند و تحت نظر موساد سازمان جاسوسی اسرائیل قرار داد. این دومی مسئول ارتباط با بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه می‌باشد و رابطه دولت اسرائیل و کردها از طریق این بخش انجام می‌گیرد. رابطه کردها و موساد از سالهای شصت میلادی قرن گذشته در شکل نظامی و اطلاعاتی با ملامصطفی بارزانی شروع شد و تا کنون نیز ادامه دارد. در آن زمان میان مصطفی بارزانی و موساد، قراردادی محرمانه به امضا رسید و از همان زمان برای پیشبرد امور این فعالیتها در بخش "فعالیهای سیاسی" در اسرائیل بخشی تأسیس شد. در آن زمان بیست نفر از شخصیهای مهم سیاسی اسرائیل در این بخش فعال بودند که از آن میان می‌توان موشه دایان وزیر دفاع کشور اسرائیل را نام برد. حزب دموکرات کردستان عراق عده ای را برای آموزش دوره های نظامی و اطلاعاتی به اسرائیل فرستاد که از میان آنان دو نفر از فرزندان مصطفی بارزانی نیز شرکت داشتند، مسعود بارزانی و ادريس بارزانی. شخص مصطفی بارزانی نیز در دو نوبت در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ از اسرائیل باز دید بعمل آورد. در زمینه نظامی اسرائیل اسلحه های روسی را که در زمان جنگ از اعراب به غنیمت گرفته بود در اختیار کردها قرار می‌داد. اسرائیل اسلحه های پیشرفته همچون موشک و اسلحه های ضد هواپیما و ضد هلی کوپتر به کردها نمی‌داد و این مشکل کردها را حل نمی‌کرد. اسلحه های اسرائیلی برای استفاده در مناطق صعب العبور کوهستانی کاربرد نداشت، اما این اسلحه ها برای جنگ چریکی طولانی مدت مناسب بود و می‌توانست لشکریان زمینی صدام را ضعیف کند. اسرائیل می‌کوشید تا توازن نیرو را میان کردها و ارتش عراق متعادل نگهدارد و بدین سان می‌توانست همشیه کردها را در چنگال خود نگهدارد. در مورد کمکهای مالی دانیال پرت می‌گوید که سالانه پانصد هزار دلار در اختیار حزب دموکرات قرار می‌دادند، اما من با اطلاعاتی که از یکی از ماموران امنیتی کردستان "پاراستن" بدست آوردم، دولت اسرائیل این مبلغ را در لفافه‌ی ترجمه اسناد ر بوده شده از عراق به آنان می‌داد. ماموران مخفی حزب دموکرات کردستان با جمع آوری اسناد مهم از درون ادارات مختلف دولتی در زمان صدام و سپس ترجمه آنها از عربی به انگلیسی در حقیقت پول مزبور را حق الترجمه می‌دانستند این روابط در سال ۱۹۷۵ پایان گرفت زیرا در این سال دولت آمریکا و اسرائیل و شاه ایران تصمیم گرفتند تا کمکهای خود را به بارزانی متوقف کنند. در این سال هزاران نفر از نیروهای مسلح کرد مجبور به تسلیم شدند. عده‌ای از اینان به ایران پناهنده شدند. نزدیک به هشت هزارتن آنان توسط رژیم صدام به اعدام محکوم گشتند. تجربه این مرحله از رابطه میان کردها و اسرائیل بر ما آشکار می‌سازد که دولت اسرائیل هیچگاه خواستار کمک واقعی و نجات کردها نبود، بلکه به این وسیله می‌خواست تا ارتش زمینی صدام را در یک جنگ طولانی چریکی ضعیف کند و بر این اساس اسلحه و اطلاعاتی در اختیار

کردها قرار می‌داد. ما نمی‌دانیم چه اطلاعاتی هم اسرائیلها در مورد کردها در اختیار صدام قرار می‌دادند. این شیوه تضعیف دو طرف سیاست اصلی دولت اسرائیل بود. بنا به‌نوشته استروفسکی، دولت اسرائیل در یک زمان به دو طرف جنگ در سریلانکا و نیروهای مخالف اسلحه و اطلاعات می‌رساند تا هر چه بیشتر عمر جنگ طولانی‌تر گردد. ما کردها در آن دوره، ضربه بسیار سختی از خیانت سه کشور ایران، آمریکا و اسرائیل متحمل شدیم. در سال ۱۹۷۵ هزاران نفر از کردها و خانواده‌های‌شان قتل و عام و آواره شدند، صدها روستا با خاک یکسان شد و رژیم بعث بسیاری از این خانواده را با وضع فاجعه بار به مناطق دور دست عراق و در مرزهای عربستان و اردون کوچ اجباری داد. این دوره‌ی پراز درد و رنج، بر روی زندگی و روح مردم کردستان سنگین می‌کند. متأسفانه باید بگوییم که احزاب کرد از آن تجربه تلخ گذشته درس نگرفته و مجدداً پس از شروع مبارزه در سال ۱۹۷۶ به‌سراغ اسرائیلها رفتند. این عمل کردها خطائی بزرگ و حق ناشناسی بود که در حق اعراب انجام دادند. نمی‌توان کمکهای فراوانی که بعضی کشورهای عربی در جریان جنگ کردها علیه صدام در اختیار آنان گذاشتند، فراموش نمود. حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز کمکهای فراوانی به کردها کرد و همچنین محموله‌های فراوان اسلحه که از شوروی سابق به ما می‌رسید. در همین زمان حزب کمونیست عراق نیز کمکهای مالی فراوانی در اختیار انقلابیون کرد گذاشت. با این وجود احزاب کرد نمی‌بایست برای دریافت کمک روی به‌سوی اسرائیل می‌آوردند.

پایان این دوره با تهاجم وحشیانه صدام، با آتش کشیدن روستاها و شهرهای کردستان و استفاده از اسلحه شیمیایی بود. نزدیک به هزار روستاهای کردستان تخریب شد. من در این دوره نشنیدم که اسرائیل اقدام به کمک و مساعدت به‌کردها کرده باشد تا به‌نوعی آنان را از این کشتار جمعی برهاند. بدتر از همه اسرائیل دوباره حملات صدام را وسیله‌ای برای توجیه جنگ افروزی خود نمود تا بتواند براحتی به ساخت و نگهداری انواع اسلحه‌های شیمیایی مبادرت ورزد.

رابطه احزاب کردها و اسرائیل بعد از سال ۱۹۹۰ وارد مرحله دیگری شد به‌طوری که اسرائیل کوشید این‌بار کردستان را به پایگاه امنی برای اعمال جاسوسی خود تبدیل نماید و احزاب کرد هم بنا به وضعیت خود به‌این امر تن در دادند. این اعمال جاسوسی اسرائیل در کردستان موجب وارد آمدن ضربات سختی بر منابع ملت کرد گردید، به‌ویژه عملیات جاسوسی بر علیه همسایه ما ایران. در سال ۱۹۹۸ دولت ایران بیست نفر از اعضای حزب دموکرات کردستان عراق را که بعضاً از رده‌های بالای حزب بودند به اتهام جاسوسی دستگیر کرد. دو نفر از آنان در زندان جان باختند و بقیه تاکنون در ایران زندانی‌اند. این درست است که دولت ایران به کردها ظلم می‌کند ولی این توجیهی برای جاسوسی نمی‌تواند باشد. دولت ایران در سالهای ۷۰ و ۸۰ قرن گذشته به صدها هزار نفر از کردان که از عراق فرار کرده بودند، پناهندگی داد و باید بگوییم که این خطاهای بزرگ متوجه مسئولان دولتی کردستان است و ملت کرد در این

زمینه تقصیری ندارد. رهبران حزب دموکرات که به این اعمال ناشایست همچون جاسوسی بر علیه کشورهای همسایه و به نفع اسرائیل دست می‌زنند، هیچ‌گونه منفعتی برای ملت کرد نخواهد داشت. این کار آنان موجب اختلاف و نفاق ما کردها با کشورهای همسایه امان می‌گردد. بعضی از تحلیلگران اسرائیلی باور دارند که رابطه میان کردها و اسرائیل به نفع کردهاست و دلیل آنان این است که حزب دموکرات کردستان می‌تواند با استفاده از امکانات شرکت مخابراتی اسرائیل بنام BEZEQ به تبلیغات رادیویی بپردازد. ما باور نداریم که این رابطه و استفاده تبلیغاتی از شرکتی اسرائیلی بنفع ملت ماست. زیرا اولاً ما می‌توانیم امکانات دیگر را که در منطقه و با قیمتی ارزان تر وجود دارد مورد استفاده قرار دهیم. ثانیاً زیان اخلاقی و سیاسی داشتن رابطه با اسرائیل را هم نخواهیم داشت. از طرف دیگر اسرائیلیها نمی‌توانند با ما رابطه ای سالم و دموکراتیک داشته باشند. زیرا بنا به گفته استروفسکی دولت اسرائیل به کردها با دیده تحقیر می‌نگرد و این تحقیر و تبعیض را می‌شود به وضوح در جامعه اسرائیل در حق کردها ملاحظه کرد. زیرا آنان ما را مسلمان می‌شناسند و من به این جهت استفاده دائمی دولت اسرائیل از ما کردها واقفم و باور دارم. زیرا که دولت اسرائیل ما را در همین حد بیشتر به رسمیت نمی‌شناسد. توقع بیشتری هم از دولت آپارتاید اسرائیل ندارم. چیز دیگری که باید بگویم این است که هدف دولت اسرائیل از جاسوسی در کردستان فقط کشورهای همسایه نیست، بلکه این تجاوز شامل ملت کرد نیز می‌شود. برای مثال اگر اسرائیلیها بخواهند یکی از مخالفان خود را در کردستان که توطئه آنان را افشا می‌کند سر به نیست کنند، خود به این کار دست نمی‌زنند، بلکه این کار را از طریق خود ما کردها انجام می‌دهند. آنان از احزاب کردستان و افراد آن بر ضد مخالفان سیاسی خود بهره می‌برند. برای مثال می‌توان از قتل یکی از استادان دانشگاه صلاح الدین در کردستان نام برد که رئیس حزب دموکرات کردستان در آن جنات نقش مستقیم داشت. سیاست مضر اسرائیل در مورد کردها تنها شامل کردستان عراق نمی‌شود. بخشهای دیگر کردستان نیز از مضرات آن در امان نمانده اند. نمونه عبدالله اوچلان بارزترین وجه این سیاست است. موساد سازمان جاسوسی اسرائیل نقش اصلی را در ربودن اوچلال رهبری ملی خلق کرد به عهده داشت. وی را از کنیا دزدیده، به ترکیه آورده و وی را دست بسته در اختیار پلیس فاشیست ترکیه قرار داد. "ویکتور استروفسکی" مامور عالیرتبه موساد شرح می‌دهد که چگونه از سال ۱۹۹۶ واحد اطلاعاتی معروف به ۸۲۰۰، اوچلان را تعقیب می‌نمود و اطلاعات را در اختیار پلیس ترکیه قرار می‌داد. در این دوره دولت اسرائیل موفق شد چند قرار داد نظامی را با ترکیه به امضا برساند. دولت ترکیه و اسرائیل کوشیدند با کمک یکدیگر اوچلان را ابتدا از سوریه بیرون کنند. اوچلان ابتدا از سوریه به ایتالیا رفت. اما موساد اطلاعاتی را از قبل در اختیار پلیس ایتالیا قرار داد و موجب شد که دولت ایتالیا تقاضای پناهندگی اوچلان را نپذیرد. وی سپس مجبور شد با پاسپورت قبرسی خود که نام مافروس روزاروس را بر خود داشت به طرف کنیا

برود. اما کینا از مراکز اصلی جاسوسی آمریکا و اسرائیل بود و به همین دلیل، موساد به سادگی توانست او جلان را در آنجا دستگیر کرده، به ترکیه آورده و در اختیار پلیس ترکیه قرار دهد. او جلان خود این را می دانست که ترکیه بدنبال دستگیری وی می باشد و هنگامی که با روزنامه نگار فرانسوی بنام "کریس کوچرا" مصاحبه نمود اظهار داشت: "که من می دانم ترکیه با کمک اسرائیل مرا دستگیر خواهد کرد." او جلان در زندان در مورد دستگیری خود با وکیلش چنین می گوید: "از کنیا حرکت کردیم و در راه در یک کشور خاورمیانه ای احتمالاً "قبرس" فرود آمدیم و از آنجا به ترکیه رفتیم". اما به احتمال زیاد این کشور خاورمیانه ای اسرائیل بوده است. دولت اسرائیل نسبت به او جلان دشمنی داشت زیرا موضع گیری های وی را در دفاع از مبارزات مردم فلسطین می دانست.

در اینجا مجال بحث بر سر این موضوع نیست که دولت اسرائیل در فردای ترور قاسملو و دو نفر از یارانش در تاریخ ۳/۷/۱۹۸۹، به دولت ایران فشار زیادی وارد آورد تا خلبان اسرائیلی به نام آراده که اسرائیل فکر می کرد در ایران زندانی است، آزاد نماید. این خلبان اسرائیلی در سال ۱۹۸۶ پس از آنکه هواپیمایش سقوط کرد دستگیر شد و تا کنون سرنوشتی نامعلوم دارد.

در سطور بالا به اختصار به رابطه کردستان و اسرائیل اشاره شد و نتیجه این است که ملت کرد از این رابطه به جز زیان و ظلم و استبداد، چیزی دستگیرشان نشد و ما از ملت های منطقه به خصوص همسایگانمان انتظار داریم که حساب ما را با افرادی که با زور، کشتار، زندان و تجاوز به حقوق مردم، حاکمیت خود را بر ما تحمیل کرده اند، جدا کنند. آنان درآمدهای ملی ما که شامل حقوق گمرکی، مالیاتها و غیره می شود، به حساب و به مصرف خود می رسانند. حقوق بشر در کردستان به وضوح پایمال می شود. قتل و شکنجه و ربودن افراد وجود دارد. آیا ما با سایر ملت های دیگر خاورمیانه که با همین مشکلات و سرکوبگریها روبرویند، فرقی داریم؟ این حاکمان، وابسته به بیگانگانند و به آنان خدمت می کنند و آنان نیز در مقابل، حاکمیت اینان را حفظ می کنند. ما امیدواریم روشنفکران کشورهای همسایه ما موقعیت ما را در زیر حاکمیت استبدادی درک کنند. اتهام این که ملت کرد وابسته به اسرائیل است، موجب آن خواهد شد که کینه و دشمنی ملت های مختلف علیه ما، دامن زده شود. این سیاستها در درجه اول به اسرائیل خدمت کرده و به ضرر ملت کرد است.